

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم صل على محمد و آل محمد و اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

موضوع: تراث ستیزی و تراث سوزی در دوران معاصر

خدای بزرگ را شاکرم که توفیقی داده تا فرصتی را در جمع شما فرهیختگان باشم

ما در قرآن قسم های مختلف داریم اما یک قسم داریم که خیلی عجیب است ؛ شما از این قسم چه می فهمید؟

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

نون سوگند به قلم و آنچه می نویسند .

این آیه مربوط به هزار و چهار صد سال قبل است و قسم را هم معمولاً به یک چیز ساده نمی خورند و هر جا که قرآن، قسم می خورد باعنایت است باتوجه است و می خواهد یک تلنگری بزند و به یک چیز ساده قسم نمی خورد. ممکن است کسی مدعی شود که قلم معنای باطنی هم دارد اما شکی نیست که مامور به اخذ به ظاهریم د رکنار توجه به باطن قران .

مگر این که منع عقلی و نقلی داشته باشیم وقتی نداشته باشیم ظاهر آیه برایمان معیار است از این آیه بگذریم روایاتی که بی شمار مسلمانان را و انسان را دعوت می کنند به علم و پژوهش.

من روایتی از پیامبر عظیم الشان اسلام دیدم که زیبا بود : ثلاثة تخرق الحجب و تنتهی الی ما بین یدی الله ؛ صریر اقلام العلماء و وطی اقدام المجاهدين و صوت مغازل المحسنات؛

سه کار است که حجاب ها را می درد و مستقیم نزد خدا می نشیند. صدای قلم دانشمندان و گامهای مجاهدان در راه خدا و صدای چرخ ریسی زنان.

البته این ها بیانات سمبلیک است وقتی بخواهند عظمت چیزی را بیان کنند و به نظر ما یکی از بهترین بیان ها همین است که گفته شود یک چیز مستقیم نزد خدا قرار می گیرد.

آن قسم قرآن و امثال این روایات، کار خودش را کرد و لذا می بینید در قرن سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم ما با تمدن بزرگ مواجه می شویم؛ تمدن ساختنی نیست به وجود می آید. تمدن در بستر زمان به طور

آرام شکل می گیرد. آن حرکت قرآن و اقدام های اهل بیت و عالمان دین و نه فقط شیعه و عالمان مسلمان و شیعه و غیرشیعه همه و همه در ساخت این تمدن عظیم اسلامی موثر بودند. و ما شدیم وارث یک تراث عظیم و یک تمدن بزرگ؛ در حدیث در منطق در هندسه در عرفان در معارف در ریاضی و در نجوم یک تمدن بزرگ در همه این رشته ها و زمینه ها ریشه یافت و به بار نشست و ما شدیم وارث یک تراث عظیم و ما در بستر تاریخ ما با یک تراث سوزی و تراث ستیزی مواجه شدیم منتها من اسمش را می گذارم تراث سوزی و تراث ستیزی سرخ. وقتی ترکان حمله می کنند کتابخانه سلطنتی سامانیان را جلوی بوعلی سینا می سوزانند و یا مغول وقتی وارد ایران می شود، کتابسوزی راه می اندازد و سلطان محمود غزنوی وقتی وارد ایران می شود کتابخانه عظیم ری را به آتش می کشاند وقتی صلاح الدین ایوبی وارد لبنان شد، متاسفانه تعصب علیه شیعه دارد و یک هفته تمام کتابخانه های لبنان را می سوزاند. این تراث سوزی و تراث ستیزی خشن بود، اما متاسفانه ما الان با یک تراث سوزی و تراث ستیزی نرم و سفید مواجهیم.

این طبیعتا خطرش از آن قبلی بیشتر است.

ما نسلی که با او مواجهیم نسلی است که به تراث باور ندارد. و ما از این نسل یک ستیز می بینیم با تمام تراث در تمام صحنه ها و زمینه ها.

ما اگر بخواهیم کار کنیم باید بر میراث گذشتگان بایستیم.

باید تراث گذشته و فرهنگ گذشتگان و منش عالمان گذشته را قدر بدانیم و به آن تکیه کنیم. ما باید این تراث را نگهداریم. البته باز هم تکرار می کنم که نباید متعصب هم باشیم زیرا تعصب نوآوری را از بین می برد. بنده شخصا مدافع تمام گزاره های فقه نیستم. اما ظرفیت فقه جداست من مقاله ای دارم «ظرفیت شناسی فقه در مواجهه با مسائل نوپیدا»؛ یعنی اگر یک فقیهی بخواهد مسائل فقه را بر اساس مسائل روز و عالمانه استنباط کند، آیا ما این ظرفیت را داریم یا نه؟ ما نقش عقل و نقش مصلحت و نقش مقاصد را داریم؛ این ها به فقه ظرفیت میدهد. و ما باید بشناسیم.

این مشکل فقط منحصر به دانشگاه نیست ما امروز طلابی داریم که نسبت به ظرفیت فقه شک دارند. ما اساتیدی داریم که این را یک نوع تضاد می بینند که از یک سو باید به تراث احترام قائل باشند و از سویی به معاصرت و مسائل روز هم آگاه باشند. ما باید میراث علمی امان، شیعه و ملی امان را حفظ کنیم در عین توجه به مسائل جدید.

یعنی در واقع ما باید هم تراث گذشته امان را حفظ کنیم هم با دانش روز آشنا شویم

طرح سر در دانشگاه تهران که طرح یک دانشجوی رشته معماری است کار زیبایی است و نقش یک کتاب باز است یعنی دانش باز است کتاب دانش کتاب پژوهش اما یک عیب بزرگی دارد طرف راست و چپ یک اندازه است. اگر می خواست دقیق باشد می بایست طرف راست آن کمتر از چپ آن باشد و واقعا دانش همین شکلی است که هنوز مسائل زیادی است که بررسی نشده است.

دانش مثلش مثل علم باری است لا یتنهاها است بشر خیلی زحمت کشیده انداما خیلی خیلی مانده است اگر بگوییم خیلی کارکردند و کم مانده اشتباه است اگر بگوییم کم کار کردند و زیاد مانده این هم کم لطفی است اما این که بگوییم خیلی کار کردند و خیلی خیلی مانده است این درست است ما باید از تراثمان مثل ناموسمان دفاع کنیم. اما باید نقد هم کنیم چون اگر نقد کنیم رشد می کنیم و ما باید این تراث را سر کلاس ببریم و معرفی کنیم.

اگر انسان نداند که در چه دورانی قرار گرفته است وظیفه خود را هم نمیداند.

رسول خدا فرمودند زمان شناس یا زمان آگاه باشید عالمان به زمان خود باشید.

ما نعمتهایی داریم و مشکلاتی هم داریم و من مدعی نیستیم که ما مشکلاتی نداریم من در این کتاب صراط زندگی آخوند خراسانی را آوردم و جای دیگر سراغ ندارم که آورده شده باشد زندگی دیگران را ببینید که چه کارکردند که این تراث را حفظ کردند اولاً تراث را بشناسیم دوم این که حفظ کنیم و سوم این که با کسانی که می خواهند تراث ستیزی و تراث سوزی داشته باشند مقابله کنیم.

برخی ها یک «نـــــــه بزرگ» اند برای تراث. ما نباید نه بزرگ برای تراث باشیم. ما باید از ارزشهای گذشته خودمان استفاده کنیم.

مجدد تشکر می کنم از عزیزانی که زحمت کشیدند و این نشست را برگزار کردند.